



چشم‌انداز گزارشگری مالی اقلام نامشهود

کمتر از نیمی از ارزش بازار بوده است که این نسبت در مقایسه با دهه ۱۹۵۰ به میزان ۸۰ درصد کاهش یافته است. به‌طور مشابه این موضوع در مقاله‌های دیگر^۳ نیز مدنظر قرار گرفته بود^۴. اغلب کسانی که اعتقاد به کاهش ویژگی مربوط بودن صورت‌های مالی دارند، مدعی هستند که ناتوانی حسابداری در شناسایی اقلام نامشهود اصلی به‌عنوان دارایی، به‌طور چشمگیری منجر به این افول شده است.^۵

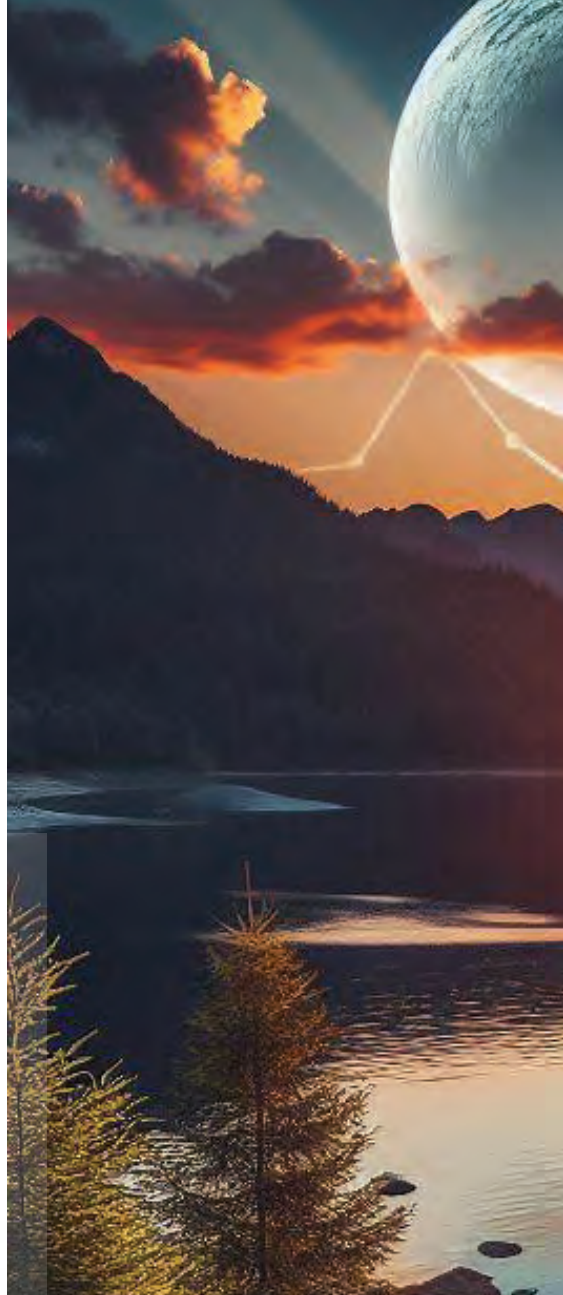
مقدمه
برخی از ناظران استدلال می‌کنند که مربوط بودن صورت‌های مالی در حال ناپدید شدن (افول) است. شکاف فزاینده میان ارزش دفتری و ارزش بازار حقوق مالکانه یا دارایی‌ها نمونه‌ای بارز از ناپدید شدن مربوط بودن صورت‌های مالی است. در این باره لو و گو (۲۰۱۶)^۱ در کتاب «فرجام حسابداری و مسیری به‌سوی سرمایه‌گذاران و مدیران»^۲ اشاره کردند که ارزش دفتری در سال ۲۰۱۳



کیبانا صدیق پور



وحید منتی



خواهد شد؛ هرچند که شناخت بیشتر ارقام نامشهود منجر به پرسش‌های بیشتری دربارهٔ مربوط بودن مبنای اندازه‌گیری می‌شود.

از سوی دیگر، سایر ناظران به تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار کمتر اهمیت می‌دهند. برای مثال بارث، لی و مک کلور^۷ (۲۰۲۲) «مربوط بودن ارزش»، ارزش دفتری و سود را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری تحوّل پیدا کرده اما کاهش نیافته است. بیشتر کسانی که کمتر به تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار اهمیت می‌دهند، معتقدند که افشا (برخلاف شناخت ارقام نامشهود) می‌تواند اطلاعات سودمندی در ارزیابی ارزش واحد تجاری ارائه دهد. با این حال، افشای ارقام نامشهود منجر به طرح پرسش‌های بیشتری به شرح زیر می‌شود:

آیا اجباری کردن چنین افشاهایی مطلوب و ضروری است؟ آیا افشا باید در صورت‌های مالی حسابرسی شده یا سایر گزارش‌های نظارتی (قانونی) ارائه شود؟ و چه نوع افشاهایی برای تصمیم‌گیری می‌تواند سودمند باشد؟

بنابراین، دیدگاه‌های متفاوتی دربارهٔ ماهیت «مسئله دارایی نامشهود» در گزارشگری مالی و همچنین راه‌حل احتمالی آن وجود دارد. استانداردگذاران ملی حسابداری، شامل استاندارد گذاران فعلی و سابق کانادا، آلمان، ژاپن، بریتانیا و ایالات متحده که دیدگاه‌های مختلفی دربارهٔ این موضوعات دارند، این تفسیر را نوشته‌اند. این تفسیر تلاش می‌کند تا ارائه‌ای متوازن از دیدگاه‌های این افراد دربارهٔ ماهیت مسئله، راه‌حل‌های احتمالی را با توجه به مشکل مفروض و مناقشه‌هایی که این راه‌حل‌ها ایجاد می‌کنند ارائه دهد.^۸ با نگاهی

اجمالی به بحث، امید می‌رود بستری برای بحث گسترده‌تر ایجاد شود و به انجام پژوهش‌های بیشتر دانشگاهی مربوط که احتمال می‌رود به پیشبرد استانداردگذاری

در این زمینه کمک کند؛ منتج شود. در ابتدا با پیشینه مختصری از پیشرفت‌های گزارشگری مالی دارایی‌های نامشهود در ایالات متحده آغاز می‌کنیم. در ادامه دلایل تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار را بررسی می‌کنیم و استدلال‌های موافق و مخالف آن را ارائه می‌کنیم. تفاوت رو به رشد بین ارزش دفتری و ارزش بازار نشان‌دهنده وجود مسئله مهمی در حسابداری ارقام نامشهود است. سپس، با فرض اینکه این تفاوت نشان‌دهنده مشکلی حل‌شدنی از طریق شناخت بیشتر ارقام نامشهود است، این مقاله دو ویژگی مربوط بودن و قابل‌اتکا بودن مبنای اندازه‌گیری‌های جایگزین را بررسی می‌کند. در مرحله بعد، با فرض اینکه تفاوت نشان‌دهنده مسئله مهمی نیست، این مقاله به بررسی نقش افشا دربارهٔ دارایی‌های نامشهود در کمک به سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی و ارزیابی ارزش واحد تجاری، از جمله افشای داوطلبانه یا اجباری، محل و نوع افشا می‌پردازد.

پیشینه

در حالی که ارقام نامشهود، سهم روبه‌رشدی از ارزش بازار امروزی واحدهای تجاری را تشکیل می‌دهند، وجود ارقام نامشهود و اختلاف‌نظر دربارهٔ حسابداری آنها موضوع جدیدی نیست. برای مثال، اوونز^۹ (۱۹۲۳)، ۲۹۴ در سال ۱۹۲۳ چنین نتیجه‌گیری کرده است:

«آیا سرقفلی پس از شناسایی، باید به تدریج برای آن کاهش ارزش شناسایی شود یا خیر؟ این پرسشی است که دربارهٔ آن بحث‌های

برای نمونه لو و گو^{۱۰} (۲۰۱۶) نتیجه گرفتند که:

«افزایش مستمر اهمیت ارقام نامشهود در عملکرد و ارزش آفرینی شرکت‌ها که با روش‌های حسابداری و گزارشگری سرکوب‌شده است، اطلاعات مالی را به‌طور فزاینده‌ای نامربوط کرده است (گو، ۲۰۱۶، ۳۷)»

این نتیجه‌گیری اشاره می‌کند که اگر با شناسایی ارقام نامشهود بیشتر، شکاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار در صورت‌وضعیت مالی کاهش یابد، گزارشگری مالی مربوط‌تر



زیادی شده است اما توافق نظری در پاسخ به آن وجود ندارد».

طبق مقاله ایوری^{۱۰} (۱۹۴۲)، اقلام نامشهود در صورتهای مالی شرکتهای ایالاتمتحده از دهه ۱۹۲۰ گزارش می‌شوند. برخی از اقلام نامشهود مانند نامهای تجاری، حق نشر، حق امتیاز، سرقفلی، حق اختراع و علائم تجاری، از آن زمان وجود داشتند اما مواردی مانند کلان‌داده‌ها، روابط با مشتری و سرمایه انسانی، جزو موضوعات جدید هستند. امروزه، برخی از ذینفعان، اقلام نامشهود را به منابع «سرمایه فکری»، مانند سرمایه انسانی (فرهنگ نیروی کار و مهارت کارکنان)، سرمایه سازمانی (نوآوری، فرایندهای تجاری، داده‌ها، سیستم‌ها و نرم‌افزار) و سرمایه شهرت (نامهای تجاری و روابط کلیدی با ذینفعان) ارتباط می‌دهند^{۱۱}.

در دهه ۱۹۲۰، طیف گسترده‌ای از صنایع، اقلام نامشهود را در صورت‌وضعیت مالی خود گزارش کردند مثل همه شرکتهایی فعال در چهار صنعت (دارو، لوازم‌آرایی و غیره، تجهیزات الکتریکی، تجهیزات اداری و صابون و پاک‌کننده‌ها) که توسط ایوری (۱۹۴۲) برجسته شده بود. شرکت‌های یادشده اقلام نامشهود را در صورت‌وضعیت مالی خود در سال ۱۹۲۹ گزارش کردند، هرچند برخی از اقلام پیش‌گفته تنها به‌صورت یک‌دلاری نمایش یافته بودند.

در آن زمان، اقلام نامشهود تحصیل شده با عمر مفید معین، عموماً در طول عمر مفید خود مستهلک می‌شدند. باین حال، شیوه حسابداری دارایی نامشهود تحصیل شده دارای عمر مفید نامعین (مانند سرقفلی، نامهای تجاری، فرمول‌های مخفی، فهرست‌های اشتراک، فرانشیز و هزینه‌های سازمان) متنوع بود. این اقلام نامشهود، به انتخاب واحد تجاری به سه شیوه زیر ثبت

و گزارش می‌شدند؛

۱. ثبت و شناسایی به بهای تمام‌شده (در مورد اقلام دارای عمر نامعین) و شناسایی زیان کاهش ارزش در صورت سود و زیان یا سود (زیان) انباشته (مدل کاهش ارزش)؛

۲. مستهلک کردن طی دوره برآوردی عمر مفید توسط واحد تجاری (مدل استهلاک)؛

۳. حذف بهای تمام‌شده (از طریق حقوق مالکانه) و انعکاس به مبلغ یک دلار (مدل حذف مستقیم) (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، کمیته رویه حسابداری، ۱۹۴۴).

با گذشت زمان، استانداردهاگران حسابداری ایالاتمتحده تلاش کردند تا بخشی از این گوناگونی را کاهش دهند و در دهه ۱۹۵۰، حذف مستقیم دارایی‌های نامشهود تحصیل شده از طریق ترکیب‌های تجاری ممنوع شد (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، کمیته رویه حسابداری، ۱۹۵۳).

حسابداری دارایی‌های نامشهود ایجادشده در واحد تجاری تا پیش از تأسیس هیئت استانداردهای حسابداری مالی تا حد زیادی حل نشده باقی ماند. در سال ۱۹۷۴، هیئت استانداردهای حسابداری مالی بیانیه شماره ۲ (کدگذاری شده در مبحث ۷۳۰) را صادر کرد که در آن الزام می‌داشت تا مخارج تحقیق و توسعه در صورت وقوع به‌عنوان هزینه شناسایی شوند (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۷۴). در سال ۱۹۸۵، هیئت استانداردهای حسابداری بیانیه شماره ۸۶ (کدگذاری شده در مبحث ۹۸۵) را صادر کرد که براساس آن نرم‌افزار رایانه‌ای که قرار است فروخته شود، اجاره داده شود، یا به شکل دیگری در بازار عرضه شود، بهای نرم‌افزار آن رایانه پس از دستیابی به امکان‌پذیری فنی، باید سرمایه‌ای شود



تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار

این بخش به بررسی عوامل مؤثر بر تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار کل دارایی‌ها می‌پردازد و اساس مفهوم ذکر شده در چهارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری مالی را که هدف ارزش دفتری منعکس کردن ارزش بازار نیست ارائه می‌دهد. این مقاله با خلاصه‌ای از دیدگاه‌های متفاوت افراد درباره این که آیا تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار نشان‌دهنده وجود مسئله‌ای در گزارشگری مالی دارایی نامشهود است یا خیر، خاتمه می‌یابد.

عوامل مؤثر بر تفاوت بین ارزش دفتری و ارزش بازار

تفاوت‌های میان ارزش دفتری با ارزش بازار ممکن است به دلیل تفاوت‌های اندازه‌گیری، تفاوت در شناخت، گاهی اوقات قیمت‌گذاری نادرست توسط بازار و هدف گزارشگری مالی باشد. هریک از این عوامل به‌طور کامل در بندهای بعدی مورد بحث قرار گرفته است.

تفاوت‌های اندازه‌گیری

مدل اندازه‌گیری به‌کار گرفته شده در استانداردهای حسابداری آمریکا «اندازه‌گیری ترکیبی» است. به‌طور کلی، مبنای اندازه‌گیری دارایی‌ها، بهای تمام‌شده تاریخی (شامل بهای تمام‌شده تاریخی مستهلک‌شده) یا ارزش منصفانه است که اغلب هر دو با ارزش بازار متفاوت هستند؛ بنابراین، حتی اگر همه دارایی‌ها به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شوند، ارزش دفتری با ارزش بازار برابر نخواهد بود.^{۱۳}

تفاوت در شناخت

دومین عامل تفاوت میان ارزش‌های بازار و ارزش‌های دفتری مربوط به اقلامی است که در ارزش‌های بازار لحاظ شده‌اند اما

هیئت استانداردهای حسابداری مالی، (۱۹۸۵). هیئت استانداردهای حسابداری مالی قصد داشت نرم‌افزارهای رایانه‌ای توسعه‌یافته برای استفاده داخلی را در دامنه کاربرد این استاندارد قرار دهد اما آن را عملی نکرد، زیرا اکثر شرکت‌ها چنین بهایی را به‌عنوان هزینه شناسایی می‌کردند. با گذشت زمان، با افزایش میزان چنین هزینه‌هایی و افزایش تنوع در شیوه عمل، واحدهای تجاری بیشتری مخارج توسعه نرم‌افزارهای داخلی را سرمایه‌ای کردند. سپس کمیته اجرایی استانداردهای حسابداری انجمن حسابداران رسمی آمریکا بیانیه ۹۸-۱ (کدگذاری شده در زیر موضوع ۳۵۰-۴۰) را برای محدود کردن تنوع در شیوه‌های شناسایی منتشر کرد که بر سرمایه‌ای کردن صرف برخی از موارد خاص از هزینه‌ها، با عنایت به مرحله پروژه تأکید کرد (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، کمیته اجرایی استانداردهای حسابداری، ۱۹۹۸).

از اوایل دهه ۲۰۰۰، براساس استانداردهای حسابداری ایالات متحده و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، اقلام نامشهود قابل تشخیص تحصیل شده از طریق ترکیب تجاری (به‌استثنای سرقفی) به ارزش منصفانه، شناسایی و اندازه‌گیری می‌شوند.^{۱۴} اقلام نامشهود با عمر مفید نامعین و سرقفی مورد آزمون کاهش ارزش قرار می‌گیرند و دارایی‌های با عمر مفید معین طبق دستورالعمل دارایی‌های با عمر طولانی مستهلک و مورد آزمون کاهش ارزش قرار می‌گیرند. تجدید ارزیابی طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تنها در صورت وجود بازار فعال مجاز است اما تجدید ارزیابی براساس استانداردهای حسابداری آمریکا مجاز نیست.

طول سه هفته منتهی به ۱۲ مارس ۲۰۲۱ (مارکت واچ، ۲۰۲۱) به بیش از ۵۵۰ درصد افزایش یافت. این سهام در پایان معاملات روز ۱۵ مارس ۲۰۲۱، سهام شرکت جی ام ای با قیمت ۲۲۰٫۱۳ دلار معامله می‌شد که بسیار بیشتر از قیمت هدف پیش‌بینی‌شده ۳۳ دلاری توسط تحلیلگران (۲۰۲۱) بود.

هدف گزارشگری مالی

بحث‌ها تا اینجا نشان می‌دهد که کاهش تفاوت بین ارزش دفتری و ارزش بازار ممکن است مستلزم بازنگری در جنبه‌های خاصی از چهارچوب مفهومی مانند اصول اندازه‌گیری، تعریف دارایی، معیارهای شناخت، باشد. این مباحث همچنین نشان می‌دهد که ممکن است بازنگری اساسی در هدف گزارشگری مالی ضرورت داشته باشد. بیانیه شماره ۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی، فصل ۱ (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۸) بیان می‌کند که ارزش بازار در گزارش‌های مالی با مقاصد عمومی در نظر گرفته نشده است، بلکه این چهارچوب فرض می‌کند که نه مدیران بلکه سرمایه‌گذاران بالقوه، وام‌دهندگان و سایر اعتباردهندگان (به‌عنوان استفاده‌کنندگان اصلی) مسئول ارزیابی ارزش بازار هستند. این مفهوم که گزارش‌های مالی با مقاصد عمومی ارزش بازار را گزارش نمی‌کنند از طریق استدلال‌های گوناگونی مثل «واحد حساب»، «به وجود آمدن فرصت برای گزارشگری جانبدارانه»، «تردید سرمایه‌گذاران» و «اطلاعات ناقص مدیران» پشتیبانی می‌شود. هر یک از این استدلال‌ها در بندهای زیر به‌طور کامل توضیح داده شده است:

• **اشکال در واحد حساب**^{۱۶}: ارزش بازار را می‌توان برای یک واحد حساب که کوچک‌تر از واحدهای مولد وجه نقد مستقل واحد تجاری نیست، برآورد کرد،



احراز نکردن معیارهای شناخت حسابداری بلافاصله به‌عنوان هزینه شناسایی می‌شود، «دارایی ایجاد شده در واحد تجاری در مرحله تحقیق» است؛ بنابراین چنین اقلامی در ارزش دفتری دارایی‌ها شناسایی نمی‌شوند اما ممکن است ارزش آنها در ارزش بازار لحاظ شده باشد.

قیمت‌گذاری نادرست در بازار

سومین عامل، قیمت‌گذاری نادرست خاص بازار است. به‌عنوان مثال، زمانی که قیمت یک سهم حباب داشته باشد، ارزش بازار می‌تواند به دلایلی غیر از باورهای منطقی درباره جریان‌های نقدی مورد انتظار خاص واحد تجاری باشد که این موضوع باعث می‌شود میان ارزش‌های بازار و دفتری انحراف چشمگیری به وجود آید. به‌عنوان مثال، قیمت سهام شرکت جی ام ای^{۱۴} پس از افت بیش از ۸۵ درصد در

در ارزش‌های دفتری منعکس نمی‌شوند. این موارد شامل اقلامی هستند که به دلیل عدم انطباق با تعریف دارایی یا معیارهای شناخت، تعریف دارایی را برآورده نکرده‌اند و به حساب هزینه منظور شده‌اند. به‌عنوان مثال، در شیوه ارزش بازار با اطلاع‌رسانی یک خرید برنامه‌ریزی‌شده، قیمت به سمت بالا (یا پایین) تعدیل می‌شود اما در ارزش دفتری دارایی‌های تحصیل شده تا تاریخ تحصیل شناسایی نمی‌شود. همچنین، درحالی‌که ارزش بازار ممکن است منعکس‌کننده ارزشی باشد که فعالان بازار به اقلامی مانند رشد آتی درآمد یا روحیه کارکنان نسبت می‌دهند که این اقلام معمولاً طبق اهداف گزارشگری مالی به‌عنوان دارایی شناسایی نمی‌شوند. درنهایت، نمونه‌ای که شاید طبق تعریف دارایی باشد اما به سبب

زیرا جریان‌های نقدی مورد انتظار واحد تجاری که ارزش بازار را تعیین می‌کنند، به‌طور مشترک توسط دارایی‌های تشکیل‌دهنده هر واحد تولید می‌شوند. آن جریان‌های نقدی و در نتیجه ارزش بازار را نمی‌توان به‌طور معناداری به دارایی‌های مستقل واحد تجاری تخصیص داد. هرگونه تلاش برای تخصیص، دلخواه و ذهنی خواهد بود و اندازه‌گیری حاصل، اثبات‌پذیر نیست. در واقع، این نکته در چهارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (۲۰۱۸) ذکر شده است^{۱۷}؛ بنابراین، اگر صورت‌وضعیت مالی براساس ارزش بازار گزارش می‌شد، مجموع مبالغ مربوط به هر واحد مولد وجه نقد گزارش می‌شد که منجر به کاهش دقت اطلاعات می‌شد.

• به وجود آمدن فرصت برای گزارشگری جانبدارانه. ارزش بازار توسط جریان‌های نقدی مورد انتظار خاص واحد تجاری تعیین می‌شود که حسابرسی آنها بسیار دشوار است. محدودیت در قابلیت تأیید (اثبات)، همراه با انگیزه‌هایی برای ارائه برآوردهای کم‌وبیش مطلوب می‌تواند منجر به گزارش‌های جانبدارانه شود.

• تردید سرمایه‌گذاران. گزارشگری جانبدارانه و محدودیت در قابلیت اثبات (اثبات پذیری)، منجر به مناقشه برانگیز شدن تمایز برآوردهای جانبدارانه از برآوردهای بی‌طرفانه (واقع‌بینانه) می‌شود. در نتیجه، استفاده‌کنندگان ممکن است به برآوردهای برخی مدیران از ارزش بازار اعتماد نداشته باشند.

• اطلاعات ناقص مدیران. مدیران از کل اطلاعات لحاظ شده در ارزش بازار اطلاعی ندارند. مک نیکولز (۱۹۸۹) نشان داد که اطلاعات مندرج در قیمت سهام از اطلاعات پیش‌بینی‌های مدیریت سود فراتر است؛ بنابراین، برآورد مدیران از ارزش بازار

معکس‌کننده مجموعه‌ای از اطلاعات ناقص خواهد بود.

خلاصه دیدگاه‌های مختلف

بندهای زیر شامل خلاصه نظرهای استانداردهاگذاران مشارکت‌کننده در تهیه این مقاله است که معتقدند تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار نشان‌دهنده مسئله‌ای در گزارشگری مالی اقلام نامشهود است و همچنین در ادامه نظر مخالفان این دیدگاه نیز بیان شده است.

تفاوت بین ارزش دفتری و ارزش بازار، مسئله مهمی است

افرادی مانند لو و گو (۲۰۱۶) معتقدند که شناسایی ناکافی اقلام نامشهود به افزایش تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار و به کاهش مربوط بودن گزارشگری مالی منجر می‌شود. آنها، به مشکلات زیر اشاره کرده‌اند:

(۱) حتی هنگامی که بیشتر ارزش یک واحد تجاری ناشی از اقلام نامشهود است، با این‌وجود صورت‌وضعیت مالی بر دارایی‌های مشهود تمرکز دارد. عدم شناسایی اقلام نامشهود با اهمیت، منجر به کم‌نمایی ارزش دفتری حقوق مالکانه و عملکرد مالی می‌شود که در نهایت باعث انتقال اطلاعات گمراه‌کننده به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌شود (لو و گو، ۲۰۱۶؛ لو، ۲۰۱۸).

(۲) حتی اگر اندازه‌گیری اقلام نامشهود دشوار باشد، این اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاران است و مدیران باید با ارائه بهترین برآورد خود، نظر خود را بیان کنند.

(۳) نباید از شناخت اقلام نامشهود صرفاً به دلیل نگرانی‌های مانند «تاییدپذیری» یا «قابل حسابرسی بودن» پرهیز شود



(لو، ۲۰۱۹). اغلب استفاده‌کنندگان میان اطلاعات حسابرسی شده یا نشده تمایز قائل نمی‌شوند و اندازه‌گیری با تأییدپذیری کمتر را به نبود اندازه‌گیری ترجیح می‌دهند. مثلاً در کنفرانس کسب اعتماد سرمایه‌گذار^{۱۸} از هیئت کیفیت حسابرسی (هیئت عمومی پاسخگویی کانادا، ۲۰۱۷) مطرح شد که قابل‌اتکا بودن اطلاعات افشاشده در اطلاعات مالی حسابرسی شده و نشده برای سرمایه‌گذاران یکسان (علی‌السویه) است. (۴) در صورت نبود ارقام نامشهود در صورت‌های مالی، سرمایه‌گذاران به اطلاعات ارائه‌شده خارج از صورت‌های مالی بیشتر اتکا می‌کنند. کاهش شکاف میان ارزش بازار و ارزش دفتری ممکن است

توجه برخی از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را دوباره به خود جلب کند (لو، ۲۰۱۸؛ آیات و آبرنتی^{۱۹}، ۲۰۰۸).

تفاوت بین ارزش دفتری و ارزش بازار نشان‌دهنده یک مسئله نیست

افرادی نظیر بارث^{۲۰} و همکاران (۲۰۲۲) بر این باور هستند که تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار نشان‌دهنده وجود مسئله مهمی در حسابداری دارایی نامشهود نیست و اطلاعات مالی منجر به کاهش ویژگی مربوط بودن نمی‌شود. مبنای استدلال‌های آنان به قرار زیر است:

(۱) صورت‌وضعیت مالی تنها یکی از جنبه‌های گزارشگری مالی است و دیگر جنبه‌های آن شامل عملکرد و صورت جریان‌های نقدی است. شناخت

دارایی‌های نامشهود در صورت‌وضعیت مالی تنها رویکرد و لزوماً بهترین رویکرد برای انتقال اطلاعات درباره ارقام نامشهود واحدهای تجاری نیست (پنمن^{۲۱}، ۲۰۰۹). (۲) این گزاره به‌صورت همگانی پذیرفته‌شده است که هدف صورت‌های مالی، گزارش ارزش بازار نیست (اسکینر^{۲۲}، ۲۰۰۸). علاوه بر این، استاندارد‌گذاران بر تعاریف قوی از دارایی‌ها و معیارهای شناخت اتکا می‌کنند و به دلایل خوبی از مدل اندازه‌گیری ترکیبی استفاده می‌کنند. شناخت برخی از ارقام نامشهود می‌تواند مستلزم تغییراتی در این مفاهیم باشد که به‌طور همگانی توسط جامعه حسابداری و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی پذیرفته‌شده است. برای نمونه، وجود چشم‌انداز رشد برای یک واحد تجاری تعریف دارایی را احراز نمی‌کند. در نتیجه، وجود چشم‌انداز رشد یک واحد تجاری از طریق ارزش بازار منعکس می‌شود در حالی که در ارزش دفتری منعکس نمی‌شود. برای شناخت چشم‌انداز رشد واحد تجاری به‌عنوان یک دارایی، باید در تعریف دارایی تجدیدنظر کرد.

(۳) شناخت و اندازه‌گیری در گام اول نیازمند قابل‌تشخیص بودن دارایی نامشهود است. با این حال، قابل‌تشخیص بودن اغلب دشوار است، زیرا راه‌های مختلفی برای مشاهده واحد حساب وجود دارد. به‌عنوان مثال، هر جنبه‌ای از یک واحد تجاری ممکن است ارزش «نام تجاری» آن را افزایش یا کاهش دهد که تعیین مرزهای نام تجاری برای اهداف شناخت و اندازه‌گیری را دشوار می‌کند. در نتیجه، مبالغ شناسایی‌شده برای برخی از ارقام نامشهود ممکن است منجر به ارائه منصفانه اطلاعات و مربوط برای استفاده‌کنندگان نشود (آیات^{۲۳}، ۲۰۰۸).





۴) میزان داده‌های جهانی به صورت تصاعدی رشد می‌کند، ۲۴ اتم داده‌های مناسب برای استفاده در گزارشگری مالی با سرعت یکسانی رشد نمی‌کند. به‌عنوان مثال، داده‌های رسانه‌های اجتماعی، اطلاعات ردیابی برخط، الگوهای ترافیک و پیش‌بینی آب‌وهوا ممکن است در پیش‌بینی درآمد سودمند باشند اما برای گزارشگری مالی مناسب نیستند. با این وجود همچنان درآمد سال‌های گذشته نقطه شروع مناسبی برای پیش‌بینی درآمدهای آتی است؛ بنابراین اطلاعات مورد استفاده در گزارشگری مالی بخش کوچک‌تری از این داده‌هایی که همواره در حال رشد هستند را تشکیل می‌دهد اما این موضوع نگرانی خاصی را به وجود نمی‌آورد. چهارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری مالی بیان می‌کند که اطلاعات گزارشگری مالی تنها بخشی از اطلاعات سودمند برای سرمایه‌گذاران است (بیانیه مفاهیم شماره ۸ فصل ۱، ۲۰۱۸). استفاده سرمایه‌گذاران از اطلاعات خارج از صورت‌های مالی، اهمیت صورت‌های مالی به‌ویژه صورت‌های مالی حسابرسی شده را تغییر نمی‌دهد. پس برای جلب توجه دوباره استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، الزاماً نیازی به پر کردن شکاف میان ارزش بازار و ارزش دفتری نیست.

راه‌حل جایگزین - شناخت

در این بخش، به بیان مشکلات اندازه‌گیری که باید مورد توجه قرار گیرند می‌پردازیم، با این فرض که تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش بازار نشان‌دهنده مسئله‌ای در حسابداری ارقام نامشهود است که باید از طریق شناخت برطرف شود. ما بر اندازه‌گیری ارقام نامشهود ایجادشده در

واحد تجاری تمرکز می‌کنیم، زیرا فرض می‌کنیم ارقام نامشهود تحصیل شده به قیمت تحصیل یا ارزش منصفانه شناسایی می‌شوند و مسئله خاصی در این زمینه وجود ندارد.

موضوع ۱: توافق بر اساس اندازه‌گیری مربوط

بسیاری از ارقام، دارای «ارزش مبادله» و «ارزش استفاده» هستند که بسته به ماهیت جریان‌های نقدی مورد انتظار دارای ارزش‌های متفاوتی هستند. «ارزش مبادله» از طریق تنزیل جریان‌های نقدی مورد انتظار غیرمنحصر به فردی که فعالان بازار انتظار تحقق از آن ارقام را دارند، تعیین می‌شود. جریان نقدی مورد انتظار فعالان بازار به هويت دارند کالایا نحوه استفاده از کالا بستگی ندارد. در مقابل، «ارزش استفاده» یک قلم، جریان‌های نقدی مورد انتظار منحصر به فردی را که یک واحد خاص انتظار دارد از آن قلم محقق کند را در برمی‌گیرد.

این جریان نقدی مورد انتظار خاص واحد تجاری هم به هويت دارند و هم به نحوه استفاده از دارایی‌های بستگی دارد.

صاحب‌نظران و نویسندگان مقاله‌های اخیر استدلال می‌کنند که مربوط بودن مبنای اندازه‌گیری وابسته به نوع به‌کارگیری یک دارایی از طریق واحد تجاری به‌عنوان دارایی به قصد استفاده (مثل دارایی‌های ثابت مشهود) یا به قصد مبادله (مثل کالا) است. هر مقاله مشخصات کمی متفاوت اما مربوط از دارایی‌های در حال استفاده و در حال مبادله را ارائه می‌دهد. طبق نظر مارشال و لنارد^{۲۵} (۲۰۱۶)، دارایی‌های در حال استفاده به‌طور مشترک با سایر دارایی‌ها برای ایجاد درآمد حاصل از فروش کالا یا خدمات استفاده می‌شود، درحالی‌که دارایی‌های به قصد مبادله به‌صورت مستقل جریان‌های نقدی ایجاد می‌کنند و می‌توانند در هرزمانی بدون تأثیر بر عملیات تجاری از آنها خارج شوند.

تولید می‌شود، خاص واحد تجاری نیست. در اینجا، اندازه‌گیری ارزش منصفانه که جریان‌های نقدی مورد انتظار فعالان بازار را در برمی‌گیرد، انکارناپذیر است. چهارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری مالی، اصول اندازه‌گیری را شامل نمی‌شود اما چهارچوب مفهومی هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (۲۰۱۸، ۶، ۵۶) به این نتیجه می‌رسد که:

برای دارایی‌هایی... که مستقیماً جریان‌های نقدی ایجاد می‌کنند، مانند دارایی‌هایی که می‌توانند به‌طور مستقل و بدون تحمّل جریمه اقتصادی چشمگیری فروخته شوند (به‌عنوان مثال، بدون ایجاد اختلال چشمگیر در کسب و کار)، احتمالاً مبنای اندازه‌گیری که مربوط‌ترین اطلاعات را ارائه می‌کند ارزش جاری است [مانند ارزش منصفانه].

همه موافق وابستگی مبنای اندازه‌گیری مربوط یک‌قلم نامشهود به استفاده یا مبادله آن دارایی، نیستند. به‌عنوان مثال، مقاله هیئت استانداردهای حسابداری کره (۲۰۱۹)، «حسابداری دارایی‌های نامشهود: گزارش‌های دارایی‌های نامشهود اصلی»، خواستار ارائه تمام «دارایی‌های نامشهود اصلی» به ارزش منصفانه است.

در نهایت وابستگی یا ذاتی بودن مبنای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود خاص (همان‌طور که هیئت استانداردهای حسابداری کره فرض می‌کند) به نحوه ایجاد جریان‌های نقدی مورد انتظار آن دارایی‌ها (همان‌طور که در این مقاله فرض شد) مسئله‌ای نامشخص است. انجام پژوهش‌های دانشگاهی درباره‌ی ارتباط ارزشی مبنای اندازه‌گیری جایگزین دارایی‌های نامشهود و میزان ارتباط با ماهیت قصد مبادله یا در حال استفاده دارایی‌های نامشهود در حل این بحث سودمند خواهد



نیست بلکه به نحوه استفاده از آن دارایی در ایجاد جریان‌های نقدی مورد انتظار بستگی دارد.

ارزش منصفانه که شامل جریان‌های نقدی مورد انتظار فعالان بازار است، نمایشی مربوط یا منصفانه از جریان‌های نقدی مورد انتظار خاص واحد تجاری از یک دارایی در حال استفاده را ارائه نمی‌کند. اندازه‌گیری بهای تمام‌شده تاریخی یک دارایی در حال استفاده می‌تواند ارزش پیش‌بینی داشته باشد، زیرا به سبب حفظ روابط تاریخی بین درآمد، بهای تمام‌شده و ظرفیت تولید، نقطه شروعی را برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار آتی واحد تجاری از دارایی‌های در حال استفاده فراهم می‌کند.^{۲۸}

در مقابل، جریان‌های نقدی مورد انتظار فعالان بازار که توسط یک دارایی مبادله‌ای

نیشیکاوا، کامیا و کاوانیشی^{۲۶} (۲۰۱۶) براساس اینکه آیا دارایی به‌راحتی قابل تبدیل به وجه نقد است و آیا فعالیت تجاری واحد تجاری از نظر قانونی، مفهومی یا اقتصادی محدودیتی در قابلیت تبدیل آن دارایی به وجه نقد ایجاد نمی‌کند، بین دارایی‌های به قصد مبادله و در حال استفاده تمایز قائل شده‌اند. در نهایت بوتوسان^{۲۷} (۲۰۱۹) براساس ماهیت جریان‌های نقدی ایجاد شده بین دارایی‌های در حال استفاده و به قصد مبادله تمایز قائل شده است. دارایی‌های در حال استفاده، جریان‌های نقدی مورد انتظار خاص واحد تجاری را ایجاد می‌کنند، در حالی که دارایی‌های به قصد مبادله جریان‌های نقدی مورد انتظار فعالان بازار را ایجاد می‌کنند. همه نویسندگان این مقاله‌ها به‌طور مشترک اظهار می‌کنند که اساس اندازه‌گیری مربوط به ذات دارایی

بود.

موضوع ۲: چالش‌های اندازه‌گیری بهای تاریخی (جایگزین)^{۲۹}

با فرض اینکه مبنای اندازه‌گیری مربوط برای یک دارایی نامشهود ایجاد شده در واحد تجاری و در حال استفاده، بهای تمام‌شده تاریخی یا در محیط‌های اقتصادی خاص، بهای جایگزینی باشد، عوامل متعددی تعیین این معیارها را پیچیده می‌کند. رسیدگی نکردن به اندازه کافی به این مسائل پردردسر می‌تواند در مربوط بودن اندازه‌گیری‌های گزارش‌شده تردید ایجاد کند. زمانی که واحد تجاری دارایی مشهود را می‌سازد، معمولاً می‌تواند مخارج (بهای) ساخت‌وساز (در محدوده‌های معقول) را در زمان تحمّل و پرداخت را شناسایی کند. برای مثال، واحد تجاری که در حال ساخت ساختمان خود است، معمولاً می‌تواند شروع و پایان دوره ساخت و مخارج ساختمانی را که در آن دوره متحمل شده است (در محدوده‌های معقول) تعیین کند. افزون بر آن در جریان ساخت بودن دارایی را در ابتدای دوره ساخت، با اطمینان نسبتاً بالایی می‌توان اثبات کرد.

درحالی‌که هنگام ساخت یک دارایی نامشهود، وجود آن دارایی تا اواخر دوره ساخت ممکن است قابل پیش‌بینی نباشد؛ بنابراین، شروع دوره ساخت توسط واحد تجاری تا زمانی که مخارج قابل توجهی متحمل نشده باشد، ممکن است قابل تعیین نباشد که انباشت بها در زمان تحمّل و پرداخت آن را دشوار و حتی ناممکن می‌کند. افزون بر این، هنگام ساخت دارایی مشهود در واحد تجاری، بهای غیرعادی مانند مواد و نیروی کار هدررفته (انحراف ظرفیت- هزینه‌های جذب نشده) از بهای تمام‌شده خارج می‌شوند. به‌طور متقابل، تمایز بین بهای

عادی و غیرعادی اقلام نامشهود دشوارتر است. همچنین، ساخت یک دارایی مشهود عموماً نتیجه تصمیمی برای توسعه یک دارایی قابل تشخیص است، درحالی‌که یک دارایی نامشهود ممکن است به‌طور اتفاقی زمانی که یک واحد تجاری اهداف تجاری دیگر و فوری‌تر را دنبال می‌کند، ایجاد شود. بنابراین، ماهیت دارایی نامشهود ممکن است تنها پس از رسیدن به هدف تجاری کوتاه‌مدت آشکار شود. برای مثال، موفقیت در فروش محصولات ممکن است فهرستی از مشتریان ارزشمند در بازاریابی محصولات مشابه در آینده ایجاد کند. باین‌حال، تخصیص مخارج فروش متحمل شده بین بهای مربوط به فروش فعلی و بهای مربوط به ایجاد فهرست مشتریان ارزشمند ممکن است نشدنی باشد. به‌علاوه، ایجاد فهرستی ارزشمند از مشتریان ممکن است پس از

تلاش برای فروش آشکار شود. افزون بر این، میزان و زمان‌بندی منافع اقتصادی حاصل از یک دارایی نامشهود ایجادشده در واحد تجاری می‌تواند به‌طور قابل توجهی کمتر از مزایای یک دارایی مشهود ایجادشده در واحد تجاری باشد. این امر می‌تواند ارزیابی الگوی استهلاک و دوره مناسب و همچنین زمان و میزان کاهش ارزش را در صورت وجود پیچیده‌تر کند. بسیاری از مشکلات اندازه‌گیری که در بالا توضیح داده شد با اندازه‌گیری بهای جایگزینی برطرف نمی‌شوند. علاوه بر این، به‌طور گسترده پذیرفته‌شده است که بهای جایگزینی یک قلم دارایی به ظرفیت خدمات مشابه با دارایی نگهداری شده بستگی دارد. منحصربه‌فرد بودن بسیاری از اقلام نامشهود، شناسایی دارایی با خدمات مشابه برای تعیین بهای جایگزین را پیچیده‌تر می‌کند.





بحث بالا نشان می‌دهد که ایجاد الزامات مربوط به برخورد یکسان با اقلام نامشهود تحصیل شده یا ایجاد شده در واحد تجاری، احتمالاً چالش برانگیز است، زیرا به‌طور معمول اندازه‌گیری بهای تاریخی که برای اقلام تحصیل شده آسان‌تر از اقلام ایجاد شده است. این موضوع نوعی ناامیدی به وجود می‌آورد، زیرا باعث امکان‌ناپذیری مقایسه‌پذیری می‌شود. به‌عنوان مثال، واحد تجاری که قصد دارد تحقیق‌های اولیه را برای ایجاد دارایی نامشهود را انجام دهد، ممکن است انگیزه‌های برای برون‌سپاری فعالیت تحقیق داشته باشد، با این اختیار که حقوق مربوط به نتایج تحقیق را بعداً به‌دست آورد تا اینکه رأساً تحقیق را انجام دهد که در این صورت مخارج تحقیق را باید به حساب هزینه منظور کند.

موضوع ۳: چالش‌های اندازه‌گیری ارزش منصفانه

با وجود اینکه در دنیای واقعی کمتر رایج است اما یک دارایی نامشهود ممکن است یک دارایی برای مبادله باشد، مانند دارایی نامشهود نگهداری شده برای فروش؛ در این حالت، انتظار می‌رود دارایی نامشهود، جریان‌های نقدی مورد انتظار فعالان بازار را ایجاد کند که به ارزش منصفانه نگهداری می‌شود؛ بنابراین، در این صورت ارزش منصفانه برای سرمایه‌گذارانی که در تلاش هستند تا جریان‌های نقدی را پیش‌بینی کنند، ارزش پیش‌بینی کنندگی دارد.

استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۸ تصریح می‌کند که «در برخی از کشورها، ممکن است بازار فعالی برای مجوزهای قابل نقل و انتقال تاکسی، مجوزهای ماهیگیری یا سهمیه‌های تولید وجود داشته باشد (هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، ۲۰۰۴، ۷۸)». هدف اصلی استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۸

تأکید بر عدم وجود بازار فعال برای اقلام نامشهود، نام‌های تجاری، دکه‌های روزنامه، حق انتشار آثار فرهنگی، حق اختراع یا علائم تجاری است زیرا هر یک از این دارایی‌ها منحصربه‌فرد هستند.

معمولاً دارایی‌های نامشهود نسبت به دارایی‌های مشهود منحصربه‌فردتر هستند. همان‌طور که در مقاله «شورای گزارشگری مالی انگلستان» (۲۰۱۹) اشاره شد، هر انبار به دلیل عدم وجود ساختمان مشابه دقیقاً در همان منطقه، منحصربه‌فرد است اما معمولاً انبارهای دیگری با مزایای اقتصادی مشابه در همان منطقه وجود دارد؛ بنابراین، ارزش‌گذاری یک انبار با استناد به معاملات مشابه امکان‌پذیر است اما منحصربه‌فرد بودن دارایی نامشهود مرتبه‌های متفاوتی دارد؛ به‌عنوان مثال هر حق اختراع یا هر کتاب ذاتاً با دیگری متفاوت است. حتی در صورت وجود دارایی قابل مقایسه و مشابه، معاملات آنها نادر است و اغلب ارزش آن در دسترس همگان نیست.

در صورت عدم وجود شواهد بازار، با تنزیل جریان‌های نقدی آتی به ارزش فعلی، ارزش منصفانه سطح ۳ برآورد می‌شود. از نظر ساختاری مشابه با محاسبه ارزش استفاده از دارایی نامشهود در حال استفاده است اما یک تفاوت مهم این است که جریان‌های نقدی (و قیمتی که برای تحمل عدم قطعیت (ابهام) در آن جریان‌های نقدی در نظر گرفته می‌شود) به‌کاررفته در برآورد ارزش منصفانه، جریان‌هایی است که توسط فعالان بازار انتظار می‌رود، نه جریان‌های نقدی مورد انتظار خاص واحد تجاری که در برآورد ارزش استفاده می‌شوند. باین‌حال، تشخیص انتظارات فعالان بازار در مورد دارایی‌های نامشهود در مبادله ممکن است دشوار باشد. به‌عنوان مثال، معمولاً دارایی‌های مشهود ظرفیت محدودی برای

تولید منافع اقتصادی دارند اما بسیاری از دارایی‌های نامشهود - مانند حق اختراع یا دستورالعمل‌ها ظرفیت نامحدود در تولید دارند که «مقیاس‌پذیری» نامیده می‌شود. مسئله دیگری که ارزیابی برخی از دارایی‌های نامشهود را پیچیده می‌کند، ناشی از «آثار شبکه» است که تعیین‌کننده میزان پذیرش یک دارایی نامشهود توسط دیگران است.

چنین مناقشه‌هایی بر کاهش اتکالپذیری معیارهای ارزش منصفانه دارایی‌های نامشهود مؤثر است. طبق استانداردهای حسابداری جاری، برخی از دارایی‌های نامشهود تحصیل شده در یک ترکیب تجاری باید به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شوند. انجام پژوهش درباره روش‌های تعیین ارزش منصفانه دارایی‌های نامشهود متعدد و همچنین قابلیت اتکا و سودمندی تصمیم‌گیری اطلاعات ارزش منصفانه برای استانداردگذاران که به دنبال بهترین شیوه اندازه‌گیری اقلام نامشهود شناسایی شده در صورت وضعیت مالی هستند، سودمند خواهد بود.

راه حل جایگزین - افشا

با فرض اینکه تفاوت بین ارزش دفتری و ارزش بازار نشان‌دهنده وجود مسئله مهمی در شناخت دارایی‌های نامشهود نباشد، افشا می‌تواند اطلاعاتی درباره دارایی‌های نامشهود، در ارزیابی جریان‌های نقدی آتی و ارزش واحد تجاری ارائه دهد.^{۳۰} ارتباط چنین اطلاعاتی در پژوهش‌های مختلف مستند شده است.^{۳۱} به‌طور خلاصه، یک پژوهش رابطه مثبت بین سرمایه‌فکری و عملکرد تجاری را مستند کرده است. همچنین، پژوهش پیش‌گفته نشان می‌دهد که افشای سرمایه‌فکری پیش‌بینی‌های تحلیلی‌گران را بهبود می‌بخشد و بر تصمیم‌های

سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. با این حال، حتی اگر افشای اقلام نامشهود به اخبار «خوب» یا «بد» مرتبط باشد؛ پژوهش‌ها نشان می‌دهند احتمال افشا برای واحدهای تجاری دارای اخبار مثبت بیشتر است. این موضوع این پرسش را مطرح می‌کند که افشا باید اجباری یا داوطلبانه باشد؟ محل و نوع افشا چگونه باشد؟ در بندهای بعدی به این پرسش‌ها به‌طور کامل پرداخته می‌شود.

موضوع ۱: افشای اجباری یا داوطلبانه

افشا روشی مهم برای انتقال اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است. افشای اجباری طبق استانداردهای حسابداری یا الزامات سایر نهادهای نظارتی (به‌عنوان مثال، کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده) الزامی می‌شود، در حالی که افشای داوطلبانه که الزامی نیستند، در پاسخ به تقاضای سرمایه‌گذاران یا ترجیحات مدیران برای ارائه اطلاعات خاص به بازار ارائه می‌شود.

افشای اجباری مشمول حسابرسی است، در بین واحدهای تجاری قابل‌مقایسه است و در طول زمان به‌طور مداوم ارائه شود (به‌عنوان نمونه، بدون توجه به ماهیت خبر). با این حال، افشای داوطلبانه انعطاف‌پذیری بیشتری را فراهم می‌کند که ممکن است امکان افشای بیشتر متناسب با شرایط خاص واحد تجاری را فراهم کند. همچنین ممکن است سرمایه‌گذاران به بینش مدیران درباره ریسک‌ها و فرصت‌های اصلی که افشای داوطلبانه ارائه می‌کند، اهمیت دهند. نبود نقص در بازار یا عوامل خارجی، هزینه و منفعت افشا را می‌سنجد و مقدار مناسبی را ارائه می‌کند. با این حال، بازارها کامل نیستند و عوامل خارجی وجود دارند. از آنجاکه سرمایه‌گذاران بالفعل هزینه افشا را

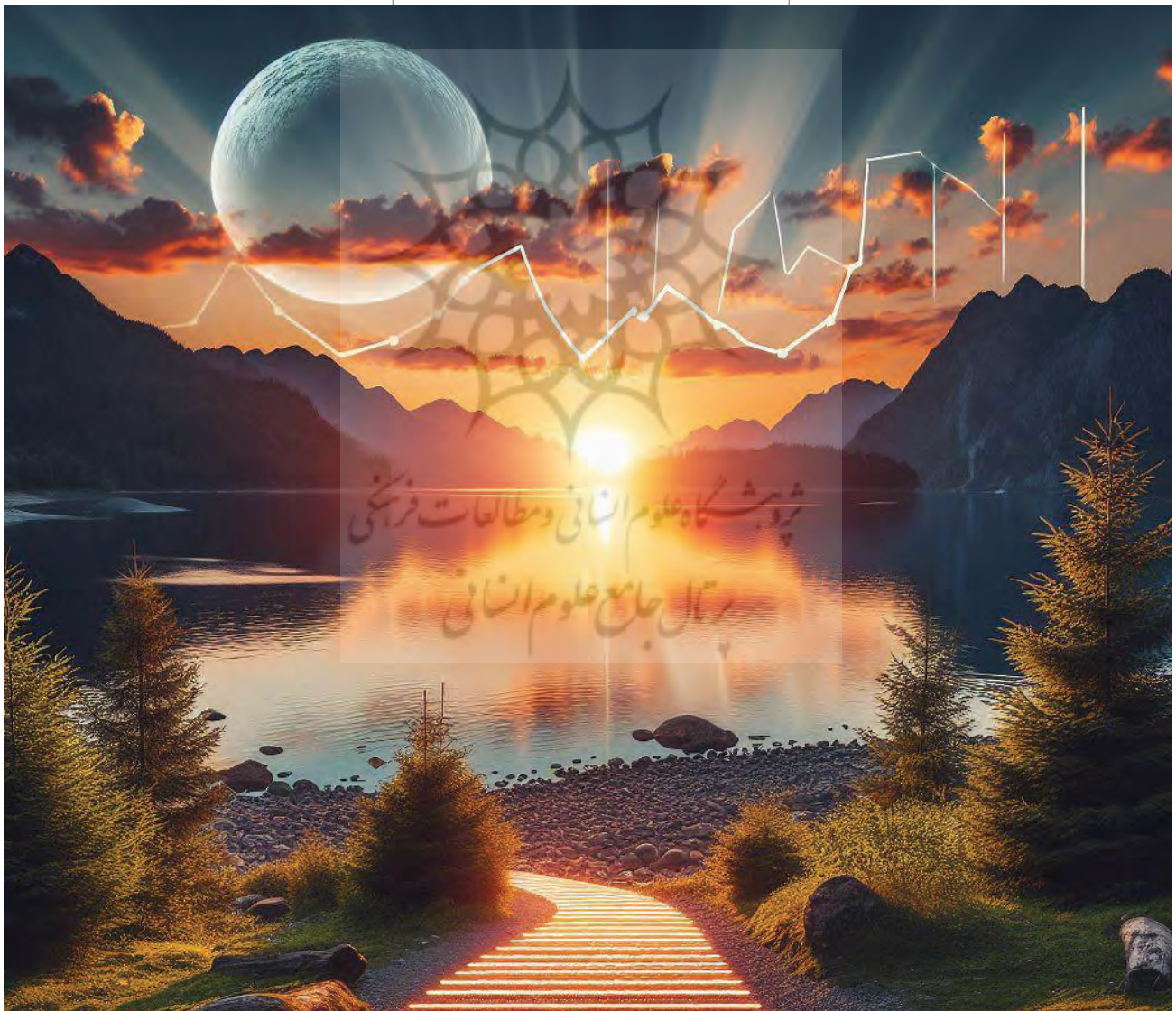


مدیران بااستعداد با اطلاعات برتر در مورد اقلام نامشهود واحد تجاری خود، ممکن است برای نشان دادن نوع آنها، افشا کنند. درنهایت، مدیرانی که پاداش مبتنی بر سهام دریافت می کنند نیز انگیزه‌ای برای افشا دارند.

ملول و زغال^{۳۳} (۲۰۱۵) نتیجه گرفتند، زمانی که اطلاع‌رسانی صورت‌های مالی کم است، به نفع مدیران واحد تجاری با فناوری پیشرفته است که اطلاعات مربوط به سرمایه فکری را برای جبران عدم شناسایی برخی اقلام نامشهود افشا کنند. مازی، اسلک، تسالووتاس و تسولیگاس^{۳۴} (۲۰۱۹)

کمک می کند، به‌ویژه اگر ارزش سرمایه فکری به راحتی تأییدپذیر نباشد. عوامل متعددی مدیران را به افشای داوطلبانه ترغیب می کند؛ به‌ویژه زمانی که اخبار مثبت باشد. اگر واحد تجاری قصد انتشار اوراق بدهی برای عموم، انتشار سهام یا تحصیل واحد تجاری از محل انتشار سهام جدید داشته باشد، مدیران ممکن است اطلاعات مربوط به اقلام نامشهود واحد تجاری را افشا کنند. اگر مدیران کم‌نمایی ارزش واحد تجاری را تهدیدی برای از دست دادن شغل خود بدانند، انگیزه‌ای برای افشا پیدا می کنند. به همین ترتیب،

متحمل می شوند اما سرمایه‌گذاران بالقوه و سایر استفاده‌کنندگان نیز از منفعت آن بهره‌مند می‌شوند، «استفاده رایگان» یا «سواری مجانی» توسط افرادی که بدون تحمل هزینه‌ای از این اطلاعات استفاده می‌کنند منجر به تولید ناکافی اطلاعات می‌شود. افزون بر این، با وجود سازوکارهای نظارتی، مانند بررسی هیئت‌مدیره، سرمایه‌گذاران ممکن است نسبت به بی‌طرفی برخی از افشاهای داوطلبانه تردید داشته باشند، اگرچه هسو و چانگ^{۳۳} (۲۰۱۱) نشان دادند که افشای داوطلبانه سرمایه فکری به بهبود پیش‌بینی‌های تحلیلگران



گزارش دادند، اگرچه افشای گزارش‌های سالانه درباره فعالیت‌های تحقیق و توسعه به سمت محدود شدن گرایش دارد، اطلاعات اضافی به‌صورت داوطلبانه از طریق روش‌های دیگر، مانند ارائه‌های تحلیلی و سرمایه‌گذار ارائه می‌شود. با این وجود، این نویسندگان نشان دادند که ذینفعان درباره فعالیت‌های تحقیق و توسعه، به دنبال اطلاعات بیشتر از ارائه ارائه‌شده هستند، به‌ویژه زمانی که مخارج توسعه سرمایه‌ای می‌شوند. در واقع، برخی از عوامل ممکن است مدیران را از ارائه افشای داوطلبانه منصرف کند. مدیران ممکن است نگران به وجود آمدن دعوای حقوقی باشند. به‌عنوان مثال، افشای جزئیات مربوط به یک ترکیب دارویی در آزمایش‌های بالینی می‌تواند در صورت شکست این ترکیب، واحد تجاری را در معرض خطر دعوای حقوقی قرار دهد. نگرانی در مورد آسیب وارد آمدن به شهرت یا کاهش جبران خدمات شخصی می‌تواند مدیران را از ارائه اطلاعات در مورد سرمایه‌گذاری‌های پرخطر یا شکست‌خورده در اقلام نامشهود منصرف کند. مدیران ممکن است نگران آسیب افشا به جایگاه رقابتی واحد تجاری باشند یا حتی نگران افشای بیش از اندازه اطلاعات باشند. با این وجود به میزان بیشتر (بیش از دو برابر) استفاده‌کنندگان مشکلی ایجاد نمی‌کند و استفاده‌کنندگان همواره تمایل به اطلاعات بیشتر در صورت‌های مالی دارند (دریک، هیلز و ریس^{۳۵} ۲۰۱۹).

اینکه آیا استانداردهای گزارش‌دهی برای تولید میزان و نوع افشای مناسب در مورد اقلام نامشهود ضروری است یا خیر، یک پرسش قابل‌بررسی باقی خواهد ماند. بررسی افشای داوطلبانه واحدهای تجاری،

ارزیابی‌های استفاده‌کنندگان از کفایت این افشاها و احتمال افزایش خطر دعوای حقوقی یا آسیب‌پذیری ناشی از رقابت به استاندارد گذاری در این زمینه کمک می‌کند.

موضوع ۲: محل افشا

واحدهای تجاری اطلاعاتی را درباره اقلام نامشهود در گزارشگری مالی از طریق تارنمای خود، ارائه سرمایه‌گذاران، گزارش بحث و تحلیل مدیریت و سایر گزارش‌ها (مثل گزارش‌های یکپارچه) ارائه می‌کنند. در صورت وجود یک محیط امن (مثل بحث و تحلیل مدیریت در مقایسه با صورت‌های مالی حسابرسی شده) نگرانی درباره خطر دعوای حقوقی بر محل افشای اقلام نامشهود (مانند اطلاعات آینده‌نگر) تأثیر می‌گذارد.

سرمایه‌گذاران اطلاعات مرتبط با اقلام نامشهود را صرف‌نظر از محل افشای آن، سودمند می‌دانند (مازی^{۳۶} و همکاران ۲۰۱۹)؛ بنابراین، استانداردهای حسابداری باید محل مناسب افشای دارایی‌های نامشهودی را که در داخل یا خارج از صورت‌های مالی حسابرسی شده باشد را بررسی کنند. این که آیا منفعت ارائه چنین اطلاعاتی در صورت‌های مالی حسابرسی شده بر هزینه‌های آن فزونی دارد، همچنان نامشخص است.

موضوع ۳: نوع افشا

اغلب سرمایه‌گذاران ترکیبی از افشای کمی و کیفی را ترجیح می‌دهند. افشای کیفی ممکن است شامل اطلاعاتی درباره اهداف سازمان، راهبرد و بینشی که چگونه انجام این مخارج مربوط به اقلام نامشهود به سودآوری آینده واحد تجاری کمک می‌کند باشد. با این حال، این اطلاعات هنگامی که مختص به یک واحد تجاری باشد و با افشای کمی در مورد

سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، سازمانی و اعتباری همراه باشد، سودمندتر است.

پیوست ب دو نمونه افشای سرمایه انسانی را ارائه می‌کند که از گزارش‌های سالانه شرکت‌های کانادین تایر، شرکت سهامی عام تایر و اپل استخراج شده‌اند. در هر دو مورد، افشای اطلاعات به‌طور کامل کیفی است. اجرای پژوهش‌هایی که نشان دهد، آیا چنین افشاهایی دارای محتوای اطلاعاتی است یا خیر و همچنین ترکیب ترجیحی سرمایه‌گذاران از افشای اقلام نامشهود را نشان دهد، موردعلاقه استانداردهای گزارش‌دهی خواهد بود.

اغلب مخارج مربوط به اقلام نامشهود با انواع دیگر مخارج در دارایی‌های ردیف صورت‌های مالی تجمیع می‌شود و استفاده‌کنندگان تمایل بیشتری به اطلاعات موجود در صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه دارند؛ مانند زمانی که مخارج تحقیق و توسعه به‌صورت جداگانه افشا می‌شود. تفکیک مخارج تحقیق و توسعه سودمند است زیرا طبق پژوهش مازی و همکاران (۲۰۱۹)، استفاده‌کنندگان هنگام پیش‌بینی عملکرد و جریان‌های نقدی آتی، روند کلی مخارج تحقیق و توسعه و خرج کرد را در نظر می‌گیرند. علاوه بر این، برخی از استفاده‌کنندگان، تحقیق و توسعه را به‌عنوان سرمایه‌گذاری تلقی می‌کنند و تلاش در ارزیابی بازده آن سرمایه‌گذاری را دارند. به‌طور مشابه، استفاده‌کنندگان ممکن است تفکیک مخارج مربوط به توسعه سرمایه انسانی، سرمایه سازمانی/نوآوری و تصمیم‌گیری سرمایه شهرت را سودمند بدانند. برخی پیشنهاد کرده‌اند که براساس نوع اقلام نامشهود، از جمله مخارج انباشته تأسیس، مخارج دوره جاری و مقادیر واقعی یا فرضی مستهلک‌شده یا کاهش‌یافته، پیش‌بینی‌شده است. نمونه‌ای از چنین

حساب کالا منظور شود (سرمایه‌ای شود) یا به حساب هزینه دوره منظور شود؟ آیا مخارج برون‌سپاری شده باید سرمایه‌ای شود یا نه؟ آیا مخارج سرمایه انسانی فقط باید محدود به دستمزد و مزایا باشد یا سایر هزینه‌ها مانند هزینه‌های مربوط به جذب، حفظ و آموزش کارکنان را نیز در برگیرد؟ چه سطحی از تفکیک لازم است و نقطه توقف تفکیک کجاست؟ به چه اطلاعات سودمند دیگری (به‌عنوان مثال، تعداد و/یا محل کارکنان) برای تصمیم‌گیری درباره داده‌های تفکیک‌شده نیاز است؟ انجام پژوهش‌هایی که بینش‌های خوبی در پاسخ به این چنین پرسش‌هایی به وجود می‌آورد می‌تواند به استانداردارگذاران کمک کند تا در این زمینه پیشرفت کنند درحالی‌که در گذشته در این حوزه پیشرفت چشمگیری حاصل نیامده است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

ارزش بازار یک واحد تجاری منعکس‌کننده ترجیحات ریسک و باورهای فعالان بازار در مورد شرایط کلان اقتصادی و واحد تجاری است. در مقابل، ارزش دفتری یک ساختار حسابداری است که با مفروضات مربوط به هدف گزارشگری مالی و شناخت و اندازه‌گیری دارایی‌ها در گزارشگری مالی شکل می‌گیرد. در نتیجه، ارزش بازار و ارزش دفتری متفاوت هستند.

با گذشت زمان، میزان این تفاوت افزایش یافته است و باعث نگرانی نسبت به مربوط بودن گزارشگری مالی شده است. شناسایی بیشتر اقلام نامشهود در دفاتر حسابداری ممکن است از میزان این تفاوت‌ها بکاهد اما در این صورت بازنگری تعریف دارایی، معیارهای شناخت، اصول اندازه‌گیری و انعکاس برخی از اقلام به ارزش بازار ضرورت خواهد داشت. علاوه بر



علاوه بر این، مخارج تاریخی نقطه شروع سودمندی برای پیش‌بینی سرمایه‌گذاران از جریان‌های نقدی آتی است و در نهایت به تحلیل‌های آنها مربوط می‌شود. ضرورت تفکیک بیشتر مخارج مربوط به اقلام نامشهود، مستلزم این است که این مخارج شامل چه اقلامی هستند. برای مثال، آیا تفکیک مخارج انسانی باید به

افشاهایی در مقاله «پاورقی تحلیلی‌گر»^{۲۷} (۲۰۲۰)؛ حسابداری دارایی نامشهود، «ارزش» منفی کاذب ارائه شده است. طرفداران چنین افشاهایی معتقدند که این اطلاعات ممکن است توانایی سرمایه‌گذاران را برای مقایسه واحدهای تجاری و زمان افزایش دهد و بینشی درباره میزان و روند سرمایه‌گذاری واحدها در دارایی‌های نامشهود ارائه دهد.

این مسائل مفهومی، شناخت اقلام نامشهود مناقشه‌های اندازه‌گیری عملی مربوط با امکان‌سنجی انباشت بها، برآورد بهای جایگزینی یا برآورد ارزش منصفانه برای اقلام نامشهود ایجاد شده توسط واحد تجاری را به وجود می‌آورد. باین‌حال، افزایش شکاف میان ارزش بازار و ارزش دفتری ممکن است نشان‌دهنده ضرورت شناخت اقلام نامشهود نباشد. به‌جای آن، افشا می‌تواند راه‌حلی برای انتقال اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری در مورد اقلام نامشهود باشد. اجرای این راه‌حل ممکن است با ارزیابی این موضوع آغاز شود که آیا با توجه به ترکیب کلی افشای داوطلبانه و اجباری و احتمال پیامدهای منفی اقتصادی، سطح افشای اقلام نامشهود در حال حاضر کمتر از حد مطلوب است یا خیر که نشان‌دهنده ضرورت الزامات افشای بیشتر در زمینه‌های مالی یا گزارش‌های نظارتی است. اینکه کدام مسیر باید دنبال شود تا حدی به این بستگی دارد که آیا تفاوت رو به رشد میان ارزش بازار و ارزش دفتری نشان‌دهنده وجود مسئله مهمی در شناسایی دارایی‌های نامشهود در ترازنامه است یا خیر؟ این مقاله نگاهی اجمالی به دیدگاه‌های شخصی افراد مشارکت‌کننده در استاندارد‌گذاری حسابداری در کشورهای کانادا، آلمان، ژاپن، بریتانیا و ایالات‌متحده ارائه می‌کند که عقیده دارند پژوهش‌های دانشگاهی می‌تواند به اصلاح شناخت آنها از وجود، ماهیت و میزان مسائل اقلام نامشهود در گزارش‌گری مالی و همچنین راه‌حل مناسب کمک کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ارزش دفتری و ارزش بازار واحد تجاری ممکن است براساس کل دارایی یا ارزش سهام واحد تجاری (ارزش حقوق مالکانه)

محاسبه شود. این تمایز به نکات مطرح شده در این مقاله ارتباطی ندارد. با این حال، برای سهولت ارائه، در سراسر این مقاله، ارزش دفتری به ارزش دفتری کل دارایی‌ها و ارزش بازار به ارزش بازار کل دارایی‌ها اشاره دارد.

2. The end of Accounting and the Path Forward for Investors and Managers

3. Coalition for Inclusive Capitalism

4. Embankment Project for Inclusive Capitalism (EPIC)

۵. ما از عبارت «اقلام نامشهود» در سراسر مقاله استفاده می‌کنیم. اینکه اقلام نامشهود به‌عنوان دارایی نامشهود برای اهداف گزارش‌گری مالی شناسایی می‌شود یا خیر، بستگی به تعریف مفهومی دارایی و اصول شناسایی آن دارد که خارج از بحث این مقاله است.

6. Lev & Gu

7. Barth, Li, and McClure

۸. اقلام نامشهود یک طبقه ناهمگن را تشکیل می‌دهند. مجوز فعالیت، علامت تجاری و روحیه بالای کارکنان در بسیاری از جهات متفاوت هستند و چنین تفاوت‌هایی ممکن است ابزارهای مختلف گزارش‌گری مالی را توجیه کند. برخی از پیشنهادها در این مقاله ممکن است برای برخی از انواع اقلام نامشهود مناسب تر از دیگر اقلام باشد.

9. Owens

10. Avery

۱۱. بسیاری از دانشگاهیان، ابتکار سرمایه فکری/دارایی جهانی، شورای گزارش‌گری بین‌المللی یکپارچه و دیگران، سرمایه‌های فکری و سایر «سرمایه‌هایی» را شناسایی می‌کنند که به ارزش یک نهاد کمک می‌کنند. اصطلاحی است که ارزشی را

که اقلام نامشهود ایجاد می‌کند را توصیف می‌کند که بین منابع مختلف، متفاوت است.

۱۲. یک قلم نامشهود در صورتی قابل تشخیص است که قابل تفکیک یا ناشی از حقوق قانونی یا قراردادی باشد.

۱۳. ارزش منصفانه در فرهنگ لغت اصلی کدگذاری استانداردهای حسابداری هیأت استانداردهای حسابداری مالی به‌عنوان «قیمتی که برای فروش یک دارایی دریافت می‌شود... در یک معامله منظم بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری» تعریف شده است. مجموع ارزش منصفانه دارایی‌های جداگانه یک واحد تجاری با ارزش کل واحد تجاری متفاوت است.

14. GameStop Corp

۱۵. توضیح مترجم: تارنمایی است که اطلاعات مالی، اخبار تجاری، تجزیه و تحلیل و داده‌های بازار سهام را ارائه می‌دهد.

۱۶. توضیحات مترجم: طبق استاندارد حسابداری شماره ۳۲ ایران، منظور از اشکال در واحد حساب، واحد مولد وجه نقد است که کوچک‌ترین مجموعه دارایی‌های قابل شناسایی ایجاد‌کننده جریان‌های ورودی وجه نقدی که به میزان عمده‌ای مستقل از جریان‌های ورودی وجه نقد سایر دارایی‌ها یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها باشد.

۱۷. برای بحث مربوطه به بند ۶،۷۵ چهارچوب مفهومی هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری رجوع کنید.

۱۸. Earning Investor Confidence

19. Wyatt & Abernethy

20. Barth et al.

21. Penman

22. Skinner

23. Wyatt

24. <https://www.networkworld.com/article/3325397/idc-expect->

منبع

Anthony Appleton; Andreas Barckow; Christine A. Botosan ; Yasunobu Kawanishi ; Atsushi Kogasaka; Andrew Lennard ; Linda Mezon-Hutter; Joy Sy; Rebecca Villmann (2023) Perspectives on the Financial Reporting of Intangibles, Accounting Horizons (2023) 37 (1): 1-13.

آنتونی اپلتون: عضو سابق شورای گزارشگری مال بریتانیا
آندریاس بارکو: عضو سابق کمیته استانداردهای حسابداری آلمان
کریستین ای بوتوسان: هیئت استانداردهای حسابداری مالی یاسونوبو کاوانیشی آتسوشی کوساکا:
هیئت استانداردهای حسابداری ژاپن
اندرو لنارد: عضو سابق شورای گزارشگری مالی بریتانیا
لیندا مزون هاتر: عضو سابق هیئت استانداردهای حسابداری کانادا
جوی سی: کارکنان هیئت استانداردهای حسابداری مالی
ریکا ویلمن: هیئت استانداردهای حسابداری سابق کارکنان کانادا
وحید منتی: استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
کیانا صدیق پور: دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران



ارائه شده در مقاله بحث و نظرخواهی (دیسکاشن پیپر) شورای گزارشگری مالی بریتانیا (۲۰۱۹) است.

۳۰. در صورتی که مسئله‌های اندازه‌گیری که در بخش قبل توضیح داده شد، حل نشدنی باشند، نقش افشاگری نیز وجود دارد. همچنین، اگر اقلام نامشهود در صورت وضعیت مالی شناسایی شود، افشاهای مورد بحث در این بخش ممکن است با افشای روش‌های اندازه‌گیری و مفروضات کلیدی تکمیل شود.
۳۰. به پیوست ۲ که حاوی فهرست خلاصه‌ای از پژوهش‌های دانشگاهی است، رجوع کنید.

31. Hsu & Chang

32. Maaloul & Zeghal

33. Mazzi & Slack & Tsalavoutas & Tsoligkas

34. Drake & Hales & Rees

35. Mazzi et al.

175-zettabytes-of-data-world-wide-by-2025.html

25. Marshall & Lennard

26. Nishikawa & Kamiya & Kawanishi

27. Botosan

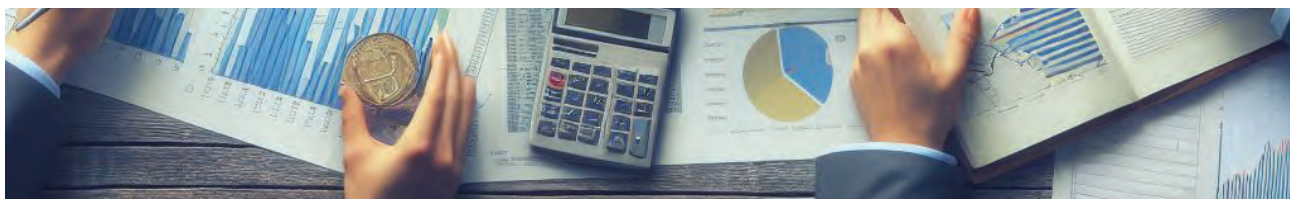
۲۸. بهای جایگزین فعلی همچنین ممکن است مبنای اندازه‌گیری مناسبی برای دارایی‌های در حال استفاده باشد و در اصل، عیب‌های بهای تاریخی را کاهش می‌دهد، به‌ویژه زمانی که تغییرات قیمت چشمگیر است، زیرا منعکس‌کننده سطوح قیمت فعلی است. با این حال، اجرای بهای جایگزین فعلی می‌تواند مشکلاتی داشته باشد. چالش‌های اعمال اندازه‌گیری بهای جایگزین برای اقلام نامشهود ایجاد شده در واحد تجاری به‌طور کامل‌تر در مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد.

۲۹. بندهای زیر براساس پیشنهادها

پیوست ۱

پژوهش درباره سودمندی افشای سرمایه فکری

نکات کلیدی	پژوهش
پس از تجزیه و تحلیل ۲۰ شرکت کانادایی ارتباطات بی‌سیم، ایشان همبستگی بین منابع مبتنی بر سرمایه فکری و عملکرد تجاری برای گروه منتخبی از نوآوران به سرعت در حال رشد شناسایی کرد. نوآوران شرکت‌هایی در حال رشد هستند که تحت تغییرات فناوری و عدم قطعیت در یک بخش فناوری نوظهور فعالیت می‌کنند. نتایج نشان داد که مخارج سرمایه فکری بر رشد طبیعی کسب‌وکار تأثیر می‌گذارد (از طریق خلق درآمد اندازه‌گیری شده است). افشای مخارج، قابلیت پیش‌بینی عملکرد آینده شرکت‌های فعال در حوزه فناوری نوظهور را افزایش می‌دهد.	ان جی ^۱ (۲۰۰۶)
معیارهای سرمایه فکری متغیرهای توضیحی مهمی از ارزش شرکت هستند و بسته به سطوح عملکرد و افق زمانی برای نگهداری سرمایه‌گذاری‌ها، بر توصیه‌های سرمایه‌گذاری تحلیلگران تأثیر می‌گذارند. نتایج نشان می‌دهد که تحلیلگران زمانی که عملکرد معیارهای مالی و سرمایه فکری بالاتر از میانگین صنعت باشد، بیشتر در دارایی‌های بلندمدت سرمایه‌گذاری می‌کنند.	گوش و وو ^۲ (۲۰۰۷)
هسو و چانگ افشای سرمایه فکری و پیش‌بینی‌های تحلیلگران را بررسی کردند. آنها نشان دادند که افشای داوطلبانه سرمایه فکری می‌تواند فرایند پیش‌بینی تحلیلگران را تسهیل کند، به‌ویژه اگر ارزش سرمایه فکری به راحتی قابل اثبات نباشد.	هسو و چانگ ^۳ (۲۰۱۱)
سرمایه‌گذاری در سرمایه فکری (مانند تحقیق و توسعه، آموزش کارکنان، روابط با مشتری، سیستم‌های اطلاعاتی و سایر زمینه‌ها) امروزه به‌عنوان ارزش‌آفرین اصلی برای چندین شرکت و بخش اقتصادی دیده می‌شود. ملول و زغال دریافتند که: شرکت‌های با فناوری پیشرفته در مقایسه با شرکت‌های با فناوری پایین، اطلاعات بیشتری را از نظر کمیت و کیفیت سرمایه فکری افشا می‌کنند؛ محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی شرکت‌های با فناوری پیشرفته در مقایسه با شرکت‌های با فناوری پایین کمتر است؛ هنگامی که میزان محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی پایین باشد، به نفع مدیران شرکت‌های با فناوری پیشرفته است که اطلاعات مربوط به سرمایه فکری را برای کاهش عدم شناسایی برخی از دارایی‌های نامشهود افشا کنند.	ملول و زغال ^۴ (۲۰۱۵)



- 1 Ng
- 2 Ghosh and Wu
- 3 Hsu and Chang
- 4 Maaloul and Zeghal

نمونه‌ای از افشای سرمایه انسانی

مشاهدات در مورد اطلاعات سرمایه انسانی	شرکت
<p>یکی از حوزه‌های تمرکز راهبردی این شرکت بر روی استعداد است.</p> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin: 10px 0;"> <p style="text-align: center;">استعداد</p> <ul style="list-style-type: none"> • توسعه راهبرد استعداد شرکت با تمرکز بر توسعه استعدادها و تخصص‌های کلیدی در زمینه‌های حیاتی و ایجاد قابلیت‌های رهبری اصلی موردنیاز برای اجرای راهبرد بلندمدت آن است. • به تقویت آکادمی آموزش مثلث برای حمایت از پیشرفت رهبران آینده در سراسر سازمان ادامه می‌دهیم. </div> <p>گزارش سالانه ۲۰۱۸ اطلاعات کیفی در مورد آکادمی یادگیری مثلثی ارائه می‌دهد اما اطلاعات کمی (به‌عنوان مثال، مبلغ هزینه شده و بازده برآوردی/سایر مزایای سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی) را ارائه نمی‌دهد.</p> <p>با محتوای مرتبطی که زمینه را برای محیط خرده‌فروشی فراهم می‌کند، مطالب به راهبردهای کسب‌وکار ما گره‌خورده است و از رهبران ارشد به‌عنوان روسا و اساتید برای ارائه ورودی، نظارت و تأیید دوره‌ها و محتوای دوره استفاده می‌کند تا اطمینان حاصل شود که اهداف شرکت تایر کانادا و کارکنان آن برآورده می‌شود.</p> <p>در سال اول آکادمی آموزشی مثلث، بیش از ۵,۰۰۰ یادگیری فردی از طریق تجربیات یادگیری آنلاین و درون کلاسی به کارکنان ارائه شد. از طریق ترکیبی از محتوای آنلاین، مطالعات موردی، چالش‌ها و مجموعه‌های سخنران، آکادمی آموزشی مثلث برنامه‌هایی را ارائه می‌دهد که با کارمندان طنین‌انداز می‌شود، مهارت‌های لازم برای موفقیت در محیط خرده‌فروشی همیشه در حال تغییر و توسعه رهبران را برای امروز و آینده در اختیار آنها قرار می‌دهد.</p>	<p>شرکت تایر کانادا</p> <p>این شرکت دارای سه عملیات تجاری اصلی است که طیف وسیعی از کالاها و خدمات خرده‌فروشی؛ از جمله کالاهای عمومی، پوشاک، کالاهای ورزشی، نفت و خدمات مالی، مانند عملیات بانکی و املاک و مستغلات را ارائه می‌دهد.</p>
<p>یکی از ارزش‌های شرکت اپل، تنوع است. این شرکت اطلاعاتی از جمله اطلاعات کمی در مورد جنسیت و تنوع قومیتی نیروی کار خود را در وب‌سایت خود ارائه می‌دهد که می‌توانید به تارنمای زیر رجوع کنید: https://www.apple.com/diversity/</p> <p>فرم K-۰۱ شرکت اپل اطلاعات کیفی زیر را در مورد سرمایه انسانی ارائه می‌دهد اما اطلاعات کمی (مقداری) را ارائه نکرده است (به‌عنوان مثال، مبالغ خرج شده و بازده برآوردی/ سایر منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی).</p> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; margin: 10px 0;"> <p>موفقیت شرکت تا حد زیادی به خدمات مستمر و در دسترس بودن کارکنان اصلی بستگی دارد. بسیاری از موفقیت‌های شرکت به در دسترس بودن ادامه‌دار و خدمات کارکنان اصلی، از جمله مدیر اجرایی، تیم اجرایی و سایر کارکنان بسیار ماهر بستگی دارد. کارکنان باتجربه در صنعت فناوری تقاضای زیادی دارند و رقابت برای جذب استعدادها آنها شدید است، به‌ویژه در سلیکون ولی، جایی که بیشتر کارکنان اصلی شرکت در آن مستقر هستند.</p> </div> <p>با این حال، هنگام بررسی صورت‌های مالی شرکت، شناسایی میزان سرمایه‌گذاری یا هزینه‌های انجام‌شده برای سرمایه انسانی و بازده این سرمایه‌گذاری‌ها از نظر مالی یا کیفی دشوار بود.</p>	<p>شرکت اپل</p> <p>این شرکت در زمینه طراحی، تولید و بازاریابی دستگاه‌های ارتباطی همراه و رسانه‌ای و رایانه‌های شخصی فعالیت می‌کند. همچنین انواع نرم‌افزارهای مرتبط، خدمات، لوازم جانبی و محتوا و برنامه‌های دیجیتال شخص ثالث را به فروش می‌رساند.</p>

Canadian Tire Corporation 5

